

روایت

گذر از فارسی ستیزی در قونیه

● فروزنده اربابی*؛ بعد از قریب به چهار دهه، برای نخستین‌بار، زبان فارسی در ایام بزرگداشت مولانا در قونیه به رسمیت شناخته شد. روزهای بزرگداشت مولانا در قونیه، مدفن این شاعر بزرگ ایرانی، چندسالی است که از ۱۵ آذر (پنج دسامبر) آغاز می‌شود و تا سالروز وفات حضرت مولانا ادامه دارد. روز ۱۷ دسامبر (۲۷ آذر) امسال هفتصدوچهل‌وسومین سالروز درگذشت مولاناست. روز وفات او به روز «مُروس» معروف است. در این روز برنامه‌های ویژه‌ای تدارک دیده می‌شود و گردشگران علاقه‌مند مولانا از سراسر جهان به ترکیه می‌آیند. بیش از سه‌هزار ایرانی هم هر سال از نقاط مختلف جهان به تَربت مولانا می‌آیند. قریب به ۴۰ سال اخیر، نه‌تنها هیچ حرف و سخنی از زبان فارسی نبود، بلکه در مقاطعی ما شاهد فارسی‌ستیزی هم در ایام بزرگداشت مولانا بودیم. عمدتا ترجمه شعرهای فارسی مولانا به زبان ترکی استانبولی و انگلیسی ارائه می‌شد. در این ۳۸سالی که در مراسم بزرگداشت مولانا و جشن مُروس حضور پیدا کرده‌ام، مسئولان فرهنگی ایران، سفارت و کنسول فرهنگی کشورمان در ترکیه با حضور نداشتند یا حضوری کم‌رنگ داشتند. حتی در مقطعی در دیدار غلامعلی حدادعادل، از بی‌برنامگی و توجه‌نکردن بخش فرهنگی سفارت ایران در ترکیه تعجب کرد، اما پس از سال‌ها اعتراض اکنون شاهد تغییر مشی و رویکرد مسئولان در شیوه برگزاری بزرگداشت مولانا هستیم. بسیاری از شعرهای مولانا به زبان فارسی در معابر و پارک‌ها و مسی‌ری‌ها منتهی به آرامگاه مولانا و همچنین در تربت آن عارف بزرگ ایرانی در بن‌های بزرگی نوشته و ارائه شده است. برای راهنمایی گردشگران، باجه‌هایی با عنوان «از من بی‌رس» به زبان مادری مولانا در قونیه تعریف شده‌اند و گردشگران را راهنمایی می‌کنند. ما باید از این فرصت پیش‌آمده نهایت استفاده را برای معرفی زبان فارسی بیریم و از دستاوردهای مولانا برای تعامل فرهنگی مؤثرتر استفاده کنیم. در این فضایی که پیش آمده و قرار است از سوی ترکیه همکاری‌هایی صورت بگیرد، ما باید به فکر داشتن میز و اتاقی برای مولانا باشیم و از این طریق علاوه بر معرفی بهتر فرهنگ و تصوف و عرفان ایرانی- اسلامی، روایت خودمان را از زندگی و شخصیت و خاستگاه مولانا به جهان‌بان عرضه کنیم و از طرفی با دعوت از شاعران و مولوی‌شناسان ایرانی به قونیه، در ایام برگزاری این مراسم، برنامه‌های ویژه‌ای برای ایرانیان حاضر در جشن مُروس داشته باشیم؛ اتفاقی که تاکنون رخ نداده است.

✽ عضو ایرانی بنیاد جهانی مولانا

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۵ = ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۸ = ۱۵ دسامبر ۲۰۱۶ = سال چهاردهم • شماره ۲۷۵۲ • ۲۰ صفحه
آذان ظهر تهران ۱۲:۰۰ • آذان مغرب ۱۷:۱۳ • آذان صبح فردا ۵:۳۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

روزنفرها

کارتون خواب

مهدی عزیزی

آیا تهران در برابر زلزله تاب دارد؟



غلامعباس توسلی

شخصیت نبی مکرم اسلام ابعاد گسترده‌ای دارد؛ دراین‌میان مهربانی حضرت رسول(ع) زبان‌زد است. او پیامبر مهربانی است. دین مبین اسلام هم ابعاد گسترده‌ای دارد و از آموزه‌های دین مبین اسلام تأکید بر مهربانی است. حضرت محمد(ص) با تعالیم نجات‌بخش اسلام، جامعه جاهلی عربستان آن روزگار را به جامعه‌ای سالم و پویا بدل کرد و همه آن نیکی‌ها به مدد تعالیم الهی دین اسلام اتفاق افتاد و جوامع کنونی مسلمان‌ها هم باید با تاسی از آموزه‌های دین اسلام در مسیر نوع‌دوستی و صلح و مدارا کام ببردارند. جامعه‌جاهلی عرب پیش از بعثت حضرت محمد(ص) روزگار غربی‌ی داشت و

ماجرای عشق و عاشقی میدون

عباس کیارستمی بر اثر لیزخوردن پا در حمام فوت کرد

پوریا عالمی؛ ما واقعا متعاقب شدید که خطای پزشکی و اینها الکی بوده و عباس کیارستمی اگر قبل از نوروز ۹۵ به بیمارستان مراجعه نمی‌کرد، به صورت طبیعی باید در سال ۹۰ از دنیا می‌رفت. شوخی نمی‌کنم. به‌رحال اظهارنظرهای اساتید و پزشکان و مسئولان طوری بوده که اگر آقای کیارستمی الان زنده بود، حتما باید توضیح می‌داد که چرا زنده مانده است. در همین رابطه حتی دیروز دادستان انتظامی کل سازمان نظام پزشکی گفت: «هیچ ارتباطی بین اقدامات درمانی در بیمارستان ایران و عامل مرگ عباس کیارستمی در فرانسه وجود ندارد». به‌همین‌منظور مجبور شدم بهمن کیارستمی، فرزند عباس، را مصاحبه فنی کنیم تا حقیقت را به ما بگوید. (یادتان باشد چندماه پیش ما روح مرحوم کیارستمی را هم آوردیم که زیر بار نرفت).

سین- علت فوت پدر شما چه بود و شما چه مشکلی با جامعه پزشکی داری؟
بهمن- پدر من سالم بود و به‌دلیل خطای پزشکی رنجور شد و در بستر احتضار افتاد.
سین- الکی. ما می‌دانیم هیچ ارتباطی بین عمل‌های عباس کیارستمی در ایران و مرگ وی وجود ندارد. نظر مثبت شما چیست؟
بهمن- بله... بله... متوجه شدم. اتفاقا پدر من بیمار بود و وقتی پزشکان ایرانی معالجه‌اش کردند، با لباس ورزشی و در حال رویایی از بیمارستان به خانه آمد و به من گفت «بهمن پاشو بریم اردوی تیم ملی. چون احساس می‌کنم می‌توانم جای علی کریمی را در تیم بگیرم». من زنگ زدم کی‌روش و گفتم بابا را یک‌طوری عمل کردند که برگشته به سن جوانی و می‌خواهد با این انرژی جای هنر، به دنبال ورزش برود. متأسفانه کی‌روش از بابا تست گرفت و گفت این انرژی که عباس پیدا کرده برای فوتبال حیف است و بابا را به مسابقات قوی‌ترین مردان ایران معرفی کرد.

سین- احسنت. پس چرا هی به پزشک‌ها گیر دادی در این مدت؟

بهمن- راستش این پوریا عالمی که یک با شیطان است، یک روز آمد و رفت تو جلد من. عالمی گفت از بجگی با دکتر بازی کردن مشکل داشته و به من گفت بهمن بیا انتقام بگیریم.

سین- آیا عالمی مریض است و مرض دارد؟
بهمن- بله... او مرض دارد و هی به من گفت بهمن گول بخور.

سین- با توجه به اینکه عالمی مریض است، الان می‌گویم تحت‌الحمفط بستری‌اش کن. جب تو دلیل فوت پدر را بگو.

بهمن- هووووم... عمل‌های بیمارستان ایران که عالی بود... بذار فکر کنم... آهان... ماشین زد بهش؟
سین- خیر.

بهمن- سر فیلم‌برداری بود که شهاب‌سنگ خورد زمین؟

سین- خیر. غیرواقعی است.
بهمن- هووووم... صبر کن... ببینم رفته بود حمام که پاش لیز خورد؟

سین- احسنت. حالا بگو ببینم کی صابون را انداخته بود زمین؟

بهمن- اوه... صابون را؟ من انداختم؟
سین- خیر.

بهمن- ببینم صابون را همین عالمی شیطان انداخته بود؟

سین- خیر.
بهمن- پس کی انداخته بود؟

سین- باید پرسی کجا رفته بود حمام.
بهمن- کجا رفته بود؟

سین- توی فرانسه. طبیعی است که وقتی آدم برود سفر، می‌رود حمام. اگر توی فرانسه رفته باشد حمام، صابون مال کی بوده؟

بهمن- فرانسوی‌ها؟
سین- نزدیک شدی.

بهمن- دکترهای فرانسه؟
سین- احسنت.

بهمن- والااا... خودم هم حدس زده بودم‌ها. مرسی آخرش این قضیه را برای من روشن کردید.

حالا عالمی کی؟
سین- فرستادمش حمام.

سلام به فردا

مشی پیامبر، دوری از خشونت

اسلام بشوند؛ اگر چنین اتفاقی رخ دهد، می‌توان به کاهش خشونت‌ها در جهان اسلام امیدوار بود. در وضعیت کنونی، مسلمان‌ها باید با مسئولیت‌پذیری بسیار بیشتری به وظایف و تکالیف الهی عمل کنند و یکی از این وظایف مهم، «امربه‌معروف» است. جوامع مسلمان باید به تاسی از آموزه‌های حقیقی دین و رواداری به دیگران، وجه مهربان دین را بیش از گذشته به نمایش بگذارند و فرصت سوءاستفاده دشمنان پیامبر اسلام را از جریان‌های افراطی و همچنین مشرکان بگیرند. علاوه بر نقش نخبگان اجتماعی، مسئولیت عالمان دین هم در این عرصه سنگین است و تمام مسلمان‌ها باید در تمسک جستن به دین مبین اسلام و مشی پیامبر از هم سبقت بگیرند.

کودکی

رفتارشناسی سیاست‌گذاران آموزش‌وپرورش

دارند، می‌دانند سال‌هاست این گروه از ناشران کتاب‌های پیش‌دانشگاهی و کنکور، بازار بزرگ‌تری را در اختیار خود گرفته‌اند که از پیش‌دبستان شروع می‌شود. البته گناه نیست کسانی این‌قدر هوشمندانی داشته باشند که با پیش‌بینی وضعیت آموزش‌وپرورش، بازار را در اختیار خود بگیرند. گناه این است که این ناشران چه چیزی افزون از آن محتوای کتاب‌های آموزش‌وپرورش می‌سازمان بهزیستی به کودکان این سرزمین می‌دهند؟ آنها را با کدام روش‌های نو تعلیم و تربیتی آشنا می‌کنند و ققرار است آثار آنها چه تفاوتی با محتوای کهنه آموزش‌وپرورش داشته باشد؟ آنها برای اینکه این بازار را در اختیار بگیرند، از سازوکارهایی استفاده می‌کنند که همه بازاراب‌های کالاهای تجاری بهره می‌برند. روش‌هایی که در آن به برخی از مدیران با آموزگاران پورسانت داده می‌شود تا کتاب معرفی شده از سوی آنها در کلاس با مدرسه ترویج و خانواده‌ها ملزم به خرید آن شوند. در وضعیتی که اقتصاد آموزش‌وپرورش بحرانی است، برخی مدیران و آموزگاران پاینده به اخلاق حرفه‌ای نیستند که هدف‌های انسانی آموزش‌وپرورش تعیین کرده است. آنها گاهی با را از این فراتر می‌گذارند و کتاب‌های خود را به عنوان کتاب‌های برگزیده جشنواره‌های آموزش‌وپرورش به خورد آموزشگاه‌ها می‌دهند. آیا به‌راستی مسئولیت آنها که در عالی‌ترین نهاد آموزش‌وپرورش تصمیم می‌گیرند، بیان ناتوانی از برخورد با این وضعیت است؟ اگرچه در کشور ما تجربه ثابت کرده راه‌های سلبی جواب نمی‌دهد، اما راه‌های ایجابی هم هست که آموزش‌وپرورش می‌تواند با به‌کارستن آنها سدی در برابر این جریان بسازد. یکی از این‌روش‌های ایجابی این است که تصمیم‌گیران آموزش‌وپرورش همان گونه که راه را برای ورود این کتاب‌ها به نظام آموزش‌وپرورش باز گذاشته‌اند، از کسانی که با روش‌های خلاق و امروزی‌تر برای کودکان این مرزوبوم محتوای آموزشی تهیه می‌کنند، حمایت کنند. برای اینکه این حمایت‌ها هم چشم‌پسته نباشد، می‌توانند مانند همه جای دنیای پیشرفته، مناطقی را برای روش‌های تجربی و آزمون‌گیری تعیین و پس از اطمینان، راه را برای تحول در آموزش‌وپرورش باز کنند.

تجربه دیگران

انسان سیار و سکونت در جهان

و دوساله بوده که به ایران مهاجرت کرده است. او می‌داند اهل هرات است؛ اما هیچ تصویری از شهرش ندارد و شناسخت او نیز از افغانستان، به خوشاوندانی بازمی‌گردد که با آنها مراده دارد. نظیف فارسی را همانند یک تهرانی، گیرم با اندک شباهتی به یکی از روستاهای آن، صحبت می‌کند و صورتش با اندکی تیرگی، به چهره یکی از اهالی نجیب در مرکز و جنوب ایران شبیه است. نظیف در کارش بسیار جدی است و در محل به تمثیل درستکاری مبدل شده است. به شایان یاد داده‌اند پس از برخورد با غریبه، دست خود را دراز کند و بی‌اجازه بزرگ‌تر- هر که باشد- به میوه‌ها و غذاهای میز دست نزنند. شایان را به مدرسه راه نداده‌اند و نظیف می‌گوید مراجعه او به آموزش‌وپرورش و استانداری و فرمانداری، نافرجام مانده است. نظیف کم‌سواد است و از تحصیل تصور مبهمی دارد؛ اما پیش خود، این نتیجه را گرفته است که تحصیل تنها گریزگاه فرزند او از وضعیت فعلی است و سبب می‌شود او درک بهتری از جهان و انسان‌ها پیدا کند. به‌این‌ترتیب، این استدلال نزد او یکسر بی‌فایده است که آموزش‌وپرورش ایران در زیر انبوهی از فرمان‌های غیرکارشناسی و نظام بوروکراتیک درهم‌پیچیده و مدیران بی‌انگیزه، به نهایت فرسودگی افتاده است و به جای تربیت افرادی که شیفته معرفت‌آموزی و آیین شهروندی باشند و همکاری و همدلی را اساس یک زندگی برترم بدانند، در بهترین سننین یادگیری، آنان را برای تست‌زنی مبتنی بر حذف رقبا آماده می‌کند. اگرچه انضباط و حسن معاشرت و پرتلاشی، برای نظیف محمل آسایشی ساخته است؛ اما با رنج اخیر، او دانسته است که وطن او نه در مکان که در زمان واقع است و آن روزوکنی که شایان کوچک با آن طول و عرض باغ را درمی‌نوردد، رو به سوی افقی مبهم دارد؛ افقی که برای نظیف تقدیری ناگزیر است و او از محاسبه‌های پیچیده آن سردر نمی‌آورد.



محمدهادی محمدی

آموزش‌وپرورش ایران وضعیت خوب و بسامانی ندارد. این را همگان می‌دانند؛ از وزیر که تازه کارش را شروع کرده تا سایر کارگزاران این نهاد. اما روش برخورد با ساختار و سازمانی که وضعیت بسامانی ندارد، می‌تواند رفتارشناسی این کارگزاران را در برخورد با نهادهی که خود در آن مسئولیت دارند، نشان دهد؛ برای نمونه دبیر شورای عالی آموزش‌وپرورش در بخشی از گفت‌وگوی اخیر خود با رسانه‌ها گفت: «مافایا کنکور و دستان پنهان اقتصاد و گردش مالی چندهزارمیلیاردی آن اجازه نمی‌دهد این آسیب از راه آموزش‌وپرورش برداشته شود». اینکه دبیر شورای عالی آموزش‌وپرورش ایران از واژگانی مانند مافیای کنکور و اقتصاد چندهزارمیلیاردی استفاده کرده است، برای بسیاری از کارشناسان و منتقدان نظام آموزش‌وپرورش جای شگفتی دارد. آن هم در زمانه‌ای که دیگر غول کنکور از نگاه گروهی دارد با پای خودش برمی‌گردد به همان بطری‌ای که روزگاری از سوی کسانی در فضای آموزشی ایران رها شد که در ظاهر به آموزش‌وپرورش آرمانی باور داشتند. نکته اینجاست که چرا یکی از عالی‌ترین کارگزاران نهاد آموزش‌وپرورش موضعی منفعلانه در مقابل این مافیا گرفته و این گونه‌ا از برخورد با این غول پرقدتر، اظهار ناتوانی می‌کند؟ آیا تصمیم‌گیران آموزش‌وپرورش واقعا چشم به راه هستند که این غول سرانجام با برافتادن سد کنکور به بطری برگردد؟ این ساده‌دلی است؛ زیرا مالک یکی از این ناشران کتاب‌های آموزشی که بخشی از این ساختار را می‌سازند، نه مافیا را در پاسخ به خبرنگاری که از او پرسیده شما نگران نیستید با برافتادن کنکور کسب‌وکارتان را از دست دهید، با اعتمادبه‌نفس مثال‌زدنی گفته انتشارات ما پیش‌بینی این وضعیت را کرده برای همین ما برای انتشار کتاب از پیش‌دبستان تا پایان دبیرستان برنامه‌ریزی کرده‌ایم. اکنون کسانی که در این زمینه شاخک‌های حساسی



بانتجارت
روابط عمومی